



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Velayet-e-Faqih in Jurisprudence and Law with Emphasis on the Words of Sheikh Tusi

Seyyede Marziyeh Davar Panah¹, Seyyed Mohsen Razmi^{2*},  Mostafa Rajaeipour³

Abstract

Background and Aim: Velayat-e-Faqih has a long history in Shiite jurisprudential, theological and ideological texts. The purpose of this research is to analyze this position and its powers in the words of Sheikh Tusi and the Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Materials and Methods: This study is of descriptive - analytical one.

Ethical Considerations: Authenticity of the texts, honesty has been observed in this study.

Findings: According to Sheikh Tusi, judging is one of the positions of the Infallible Imam as well as the jurists chosen by him. In the absence of the Imam, the jurists can receive khums, zakat, and zakat al-fitr. He can also lead the congregation of Eid prayers and Friday prayers. And of course, according to the social and political conditions of the time of Sheikh Tusi, many of the powers of the jurist had limited by Taqiyya. In the constitution, there are some principles referring to the powers of Velayat-e-Faqih, which have been regulated according to Imam Khomeini's views, and in the revisions that took place in it, the powers of the leadership have been added.

Conclusion: Velayat-e-Faqih has wide authority in the opinion of first-range Shiite jurists, including Sheikh Tusi, as well as the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, which is based on Islamic texts and jurisprudence.

Received:

15 Mar 2021

Revised:

31 May 2021

Accepted:

08 Jun 2021

Available Online:

01 Jul 2021

Keywords:

Jurisprudence,
Law,
Constitution,
Velayat-e-Faqih,
Sheikh Tusi.

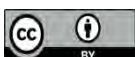
1 PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)*

Email: razmi0109@mshdiau.ac.ir Phone: +989155003695

3 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Please Cite This Article As: Davar Panah, SM; Razmi, SM & Rajaeipour, M (2021). "Velayet-e-Faqih in Jurisprudence and Law with Emphasis on the Words of Sheikh Tusi". *Interdisciplinary Legal Research*, 2 (2): 1-13.



مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۳)

گستره‌ی ولایت در فقه و حقوق با تأکید بر کلام شیخ طوسی

سیده مرضیه داورپناه^۱، سید محسن رزمی^۲، مصطفی رجایی‌پور^۳

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: razmi0109@mshdiau.ac.ir

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۰/۳/۱۰ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۸ انتشار: ۱۴۰۰/۴/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: ولایت فقیه پیشینه‌ای طولانی در متون فقهی و کلامی و عقیدتی تشیع دارد. تحلیل این جایگاه و اختیارات آن در کلام شیخ طوسی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اهداف این تحقیق است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: عقیده شیخ طوسی قضاوت از جمله مناصب امام معصوم و همچنین فقهای که از طرف معصوم برگزیده شده‌اند است. فقیه در غیاب معصوم می‌تواند، خمس و زکات و زکات فطره را دریافت کند، همچنین می‌تواند، امامت جماعت نماز عیدین و جمعه را برعهده داشته باشد و البته با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی زمان شیخ طوسی بسیاری از اختیارات فقیه به صورت تقیه محدود شده است. در قانون اساسی اصل‌هایی به اختیارات ولایت فقیه اشاره دارد که با توجه به دیدگاه امام خمینی (ره) تنظیم شده و در بازنگری‌هایی که در آن به وجود آمد، بر اختیارات رهبری افزوده شده است.

نتیجه‌گیری: ولایت فقیه در اندیشه فقهای طراز اول تشیع از جمله شیخ طوسی و نیز اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که براساس متون و فقه اسلامی نگارش یافته است دارای اختیارات گسترده‌ای می‌باشد.

کلمات کلیدی: فقه، حقوق، قانون اساسی، ولایت فقیه، شیخ طوسی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

در این مقاله که به موضوع گستره‌ی ولایت در فقه و حقوق با تأکید بر کلام شیخ طوسی اختصاص داده شده است، روشن است که جایگاه ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام از ارکان اساسی و مهم است، تاریخچه حضور معصوم و ولایت او را از صدر اسلام با ولایت حضرت رسول (ص) در صدر حکومت اسلامی و بعد از آن حکومت و ولایت حضرت علی (ع) و امام حسن (ع) را داریم، و بعد از آن تا گستره ولایت فقها را به طور متمرکز در مسند یک حکومت واحد اسلامی می‌توانیم در نظام جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهیم و تلاش این مقاله بر این مطالب متمرکز خواهد شد تا گستره ولایت فقها را در قانون اساسی و همچنین در کلام فقه سیاسی شیخ طوسی مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله بعد از بیان تعاریف و مفاهیم و ارائه پیشینه‌ای از موضوع به مبانی اختصاص داده شده و در نهایت نیز به بررسی موضع در فقه و حقوق با تأکید بر کلام شیخ طوسی پرداخته شده است.

اصل ولایت مطلقه فقیه که ادامه ولایت پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم است یعنی اجرای تمام و همه احکام اسلام برای همه مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان، که بستگی به گستردگی حکومت و نظام آن دارد و می‌تواند تمام دنیا را هم در برگردد بنابراین با استناد به نصوص و ظهورات آیات و روایات و با تکیه بر براهین عقلی و همچنین با تأکید بر کلام شیخ طوسی نقش محوری ولایت فقیه را در تشکیل حکومت اسلامی و اجرای مستمر قوانین الهی در زمان غیبت کبرای امام عصر (عج)، به اثبات رسانیده است.

۲- تبیین مفاهیم

۱-۲- ولایت

ولایت، واژه‌ای عربی است که از کلمه «ولی» به معنای پیوستگی و قرابت گرفته شده و واژه‌های فراوانی از آن

اشتقاق یافته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۳۳) در لغت عرب هم به معنای آمدن چیزی است در پی چیزی دیگر، بدون آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است.

این واژه با شکل‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی محبت، حب و دوستی، نصرت و یاری، سلطان، متابعت و پیروی و سرپرستی استعمال شده و از آنجا که ریشه اصلی واژه با همان معنای لغوی به نوعی در همه این معانی دیده می‌شود، نمی‌توان معانی شمرده شده بالا را از سنخ مشترک لفظی دانست. (ابن منظور، ۱۴۱۹: ۴۰۲)

واژه ولایت در بحث ولایت فقیه به معنای سرپرستی است و در این معنا، ولایت شامل ولایت تکوینی و تشریحی می‌شود. ولایت تشریحی نیز خود به دو بخش ولایت بر محجوران و ولایت بر جامعه خردمندان تقسیم می‌شود. ولایت فقیه نیز ولایت مدیریتی بر جامعه اسلامی است که به منظور اجرای احکام و تحقق ارزش‌های دینی و شکوفا ساختن استعدادها و افراد جامعه و رساندن آنان به کمال و تعالی در خور خویش صورت می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۱۲۹)

به تعبیر، دیگر منظور از ولایت در ولایت مطلقه فقیه، ولایت تدبیری و تنظیمی است که وجود آن برای جلوگیری از هرج و مرج در جامعه ضروری است.

۲-۲- مطلق و مطلقه

مطلق و مطلقه به چند معنا به کار می‌رود. مطلق به معنای کل گرایانه و فراگیر و تمامت خواه که مفهوم توتالیتریانیسم از آن دریافت می‌شود؛ مطلق به معنای آزاد و رها از هر قید و بند و فارغ از هر حد و حدودی و رأی قانون و مسؤولیت نداشتن در برابر گفتار و رفتار. مطلق در مقابل مقید و محدود که مقصود از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و شمول مسؤولیت است که برای تأمین مصالح و تضمین عدالت، همه ابعاد مصالح مردمی را فرا می‌گیرد. فقهای پیشین به جای واژه مطلقه از عامه استفاده می‌کردند، زیرا در برابر این شمول و

امکان کامل بوده و عامل به دین و به دور از هوی و هوس باشد (حلی، ۱۳۹۲: ۴۸۳).

۲-۴- ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی اداره‌ی امور جامعه در زمان غیبت امام عصر (عج) توسط فقهای است که بر کتاب و سنت احاطه داشته و دارای شرایطی مانند عقل، علم، توانایی، عدالت و آگاهی به زمان، حافظ دین و مخالف هوای نفس باشند که ولایت فقیه به این معنا ضامن اجرای قوانین اسلام است (حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۴).

۲-۵- قانون

قانون که جمع آن قوانین است اصل و اساس، مقیاس هر چیزی، دستگاهی از موسیقی، مجموعه‌ای از مقررات و دستورات که در روابط مردم اعم از حقیقی و حقوقی و یا مالی است که تهیه و تدوین شده است و انواع بسیاری دارد که مهمترین آنها، قانون اساسی، قانون تجارت، قانون جزا و کیفر، قانون مدنی و ... می‌باشد (تفتازانی، بی‌تا: ۲۳۷؛ معین، ذیل کلمه).

۲-۶- قانون اساسی

قانون اساسی مجموعه مقررات و اصول کلی است که شکل و محتوای حکومت را ترسیم نموده ساختار حاکمیت و مرزهای بین اقتدارات و حوزه اختیارات سه قوه (مقننه، مجریه، قضائیه) را تعیین می‌کند؛ هم‌چنان که حقوق و آزادی‌های افراد و گروه‌های جامعه را در قبال دولت مشخص می‌نماید. این که شکل حکومت جمهوری است یا سلطنتی، پارلمان از یک مجلس تشکیل شود یا دو مجلس و این که وضع قانون به چه ترتیب صورت گیرد یا این که در نظام جمهوری رئیس جمهور بر اساس رأی مستقیم ملت انتخاب گردد یا با رأی نمایندگان و بالاخره این که تفکیک قوا نسبی است یا مطلق و مسائلی از این قبیل در اصول قانون اساسی مطرح می‌گردد. قانون اساسی هر کشور نمادی از هویت فرهنگی مردم آن است که تمام مناسبات، گرایش‌ها و دیدگاه‌های بومیان آن

مطلق بودن ولایت، ولایت‌های دیگری نیز وجود دارد که جهات خاصی از آن‌ها مورد نظر است، مانند ولایت پدر در امر ازدواج دختر یا ولایت پدر و جد در تصرفات مالی فرزندان نابالغ.

بنابراین، منظور از اطلاق، گسترش دامنه ولایت فقیه و مسؤولیت اجرایی ولی فقیه در همه احکام انتظامی اسلامی و همه ابعاد مصالح عمومی مردم است و مانند دیگر ولایت‌ها، یک بعدی نخواهد بود. از این رو، مطلقه در برابر مقیده‌ای آمده است که اختیارات ولی فقیه را به موارد خاصی همچون امور حسبه محدود می‌کردند. در نتیجه، مطلق بودن ولایت یعنی اینکه فقیه، ملزم است همه احکام اسلام را تبیین و اجرا کند؛ زیرا چون هیچ حکمی از احکام الهی در عصر غیبت قابل تعطیل شدن نیست؛ بر اساس قاعده اهم و مهم، برای تراحم احکام چاره‌ای بیندیشد؛ برخلاف حکومت‌های مطلقه، اطلاق در ولایت فقیه محدود به موازین اسلامی و رعایت عدالت و تقوا برای اداره جامعه اسلامی است. بنابراین، ولایت فقیه در چارچوب قوانین الهی اعم از فرعی، ثانوی و حکومتی را ولایت مطلقه فقیه می‌نامند (کعبی، ۱۳۸۰: ۶۱).

۲-۳- فقیه

این واژه از ریشه‌ی فقه است و در اصل برابر با فهم و یا علم به شیء و فهم آن است و فقیه به معنای عالم می‌باشد (جوادی آملی: ۱۳۷۹، ۱۲۹). و برخی دیگر رسیدن به علم غایب به وسیله‌ی علم مشهود و حاضر می‌دانند که اخص از علم است (جوهری، ۱۴۰۴: ۱۷۹).

«فقیه» در اصطلاح ولایت فقیه یعنی مجتهد جامع شرایط که دارای سه ویژگی اجتهاد مطلق، عدالت مطلق و قدرت مدیریت و استعداد رهبری باشد نه هرکس که درس فقه خوانده است. در واقع اجتهاد مطلق به این معنی که بر همه ابعاد دین اعم از اصول و فروع، عبادات و عقود، احکام و ایقاعات و سیاست اسلامی آگاه باشد و حائز عدالت مطلق باشد یعنی علاوه بر عقل نظری در عقل عملی نیز در حد

اقامه‌ی حدود پرداخته است. ایشان در این باب پس از آنکه اقامه‌ی حدود را بر عهده‌ی سلطان اسلام و منصوب از سوی خدا، یعنی ائمه‌ی هدی (ع) می‌داند، پس از ایشان امر اجرای حدود را تفویض شده از سوی معصومین (ع) به فقهای شیعه دانسته‌اند که در صورت امکان باید اجرای حد کرده و به مواردی چون قطع دست سارق، تازیانه زدن بر زانی و قتل قاتل اقدام نماید و این کار را بر امیر و حاکم شیعه واجب و لازم می‌داند. امر دیگری که به عقیده‌ی ایشان به فقها واگذار شده، امر قضا و حکم کردن بین مؤمنین بر اساس شرع و صلح برقرار کردن بین آنها است. همچنین شیخ مفید در بحث وصیت می‌گوید: «اگر وصی بمیرد، در نبود سلطان عادل، فقهای عادل شیعه که صاحب عقل و نظر و فضل هستند، تمام آنچه را سلطان اسلام (امام معصوم) سرپرستی می‌کند، به عهده دارند» (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۶۳۱).

۱-۲- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه سید مرتضی
 احدی از فقها «امامت» را «ریاست» و «فرض الطاعه بودن» و «امر و نهی نافذ داشتن» تعریف می‌کند. وی، معتقد است که بدون نفوذ امر و نهی و فرض الطاعه بودن، رسیدن به مصالح موجب امامت و ریاست، غیر ممکن است. او، ضرورت حکومت و ریاست در جامعه را ضرورتی عقلانی می‌داند و می‌گوید با قطع نظر از اجرا و تنفیذ احکام دینی و اقامه حدود شرعی، حتی در جوامع بی‌اعتقاد به دین نیز ضرورت حکومت، اجتناب ناپذیر است. قدرت حکومت، قدرتی برتر است. با بیانی که، در ضرورت ریاست اقامه می‌کند، نشان می‌دهد که امامت و ریاست، امری مستمر است و قابل تعطیل نیست. ریاست را لطف می‌داند و با برهان عقلی، ضرورت آن را به اثبات می‌رساند (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۶۳۱).

سیدمرتضی در کتاب *جمال العلم و العمل* به‌عنوان مجموعه‌ای مختصر از عقاید و احکام عملی فقهی، در مسأله جمع‌آوری زکات، به ولایت فقیه اشاره می‌کند.

سرزمین را نمودار می‌سازد. اهمیت آن موقعی فزونی پیدا می‌کند که آحاد جامعه و نیز نهادهای مردمی و دولتی سخت بر آن پای بفشارند و از حدود آن فراتر نروند. قانون اساسی هر کشور، حدود و ثغور فعالیت‌ها و تحرکات و حتی اعتراضات و انتقادهای قابل طرح در مقابل حاکمیت و دیگر اشخاص حقوقی و حقیقی را معین می‌کند (عالی‌خانی، ۱۳۷۳: ۲۶ - ۱۴).

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد.

بحث و نظر

۱- مروری بر اندیشه ولایت فقیه در فقه شیعه و فقهای هم عصر شیخ طوسی

از عصر نبی اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) به گونه‌ای فقه و فقاقت آغاز شده و علماء و دانشمندان اسلامی در این زمینه گام برداشته‌اند. پیامبر اکرم (ص) نمایندگانی را در عصر خویش که آگاهتر به مسائل دینی و قرآنی بودند برای بیان احکام و آشنا کردن مردم با اسلام و قرآن کریم به میان طوائف و اقوام دیگر می‌فرستادند، همانند مأموریت جعفر بن ابیطالب به مدینه و اعزام مصعب بن عمیر به حبشه. بنابر تصریح قرآن کریم وجود علماء ضرورت داشته است و با آغاز غیبت کبری، این رسالت علماء و فقها سنگین‌تر شده است. زیرا در عصر قبل از غیبت که عصر حضور ائمه اطهار بود، علماء به علت حضور ائمه تحت‌الشعاع بودند و مردم هم حتی‌المقدور مشکلات خود را با ائمه اطهار در میان می‌گذاشتند اما پس از غیبت کبری تمامی مسؤولیت دینی به عهده علماء و فقهاء شیعه افتاد (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۸۰).

۱-۱- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه شیخ مفید

شیخ مفید (ره) در کتاب *گرانقدر المقننه* به بیان نظرات فقهی و بحث ولایت فقیه را در باب امر به معروف و نهی از منکر و

گفته‌ی محدث نوری جانشین شیخ طوسی در منطقه‌ی شام بوده است. کتاب وزین، **الکافی فی الفقه**، مشهورترین اثر فقهی ابی‌الصلاح می‌باشد.

ایشان در این کتاب در مبحث قضاء ضمن اشاره به این نکته که در زمان حضور معصوم تنفیذ احکام بر عهده ائمه اطهار (ع) و کسانی که از سوی آنها تعیین شده‌اند، می‌باشد، این وظیفه را در صورت عدم حضور معصوم، مختص شیعیانی می‌داند که دارای شروط نایب امام باشند. این شروط عبارتند از: «علم به حکم حق، عقل، حلم، عدالت، ورع و قدرت بر قضاء». وی بر کسی که این شرایط را داراست واجب می‌داند در هنگام رجوع مردم، اقدام به قضاوت نمایند و از این تکلیف روی بر نگردانند؛ چراکه او نایب از سوی ولی امر (عج) می‌باشد. ضمناً مردم را نیز مکلف به رجوع به او در حکم می‌داند و رد کننده‌ی حکم حاکم را همانند رد کننده‌ی حکم خدا و رسول می‌داند (حلی، ۱۴۲۲: ۷۰۲).

۱-۵- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه ابن براج

عبدالعزیز بن البراج الطرابلسی یکی دیگر از علمای قرن پنجم است که در کتاب فقهیش بنام المذهب مانند سایرین در باب مکاسب و امر به معروف و نهی از منکر «مأذون بودن» ولی امر از سوی معصومین (ع) را یادآور می‌شود.

وی در باب خدمت به سلطان و اخذ جوایزش می‌نویسد: «اما سلطان عادل اسلام مستحب است خدمت به او و چه بسا واجب باشد بر مکلف. اگر چنین سلطانی در امری و حکمی به کسی ولایت دهد، واجب است اطاعتش و ترک مخالفت و جایز است قبول جوایزش و تصرف در جمیع آنها.» (مختاری، ۱۳۷۷: ۲۴۶).

۲- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه شیخ طوسی

یکی از مواردی که فقیهان در عصر غیبت متولی آن هستند ولایت بر قضا است. شیخ این منصب را تنها در انحصار سلطان حق و عدل یعنی امام می‌داند و جز امام یا افرادی که

ایشان، در فصل مربوط به «کیفیت اخراج زکات»، در دو حالت حضور و غیبت، به بررسی این موضوع می‌پردازد. در حالت نخست، می‌گوید که اگر دسترسی به امام (ع) و خلفای نایب ایشان، ممکن است، افضل و اولی، تحویل زکات اموال به ایشان است، اما برای حالت دوم که دسترسی به امام و جانشینان وی میسر نیست، می‌گوید «فقد روی إخراجها إلى الفقهاء المأمونین لیضعوها فی مواضعها و إذا تولی إخراجها عند فقد الإمام و النائین عنه، من وجب علیه، جاز.» (فراهیدی، ۱۳۶۷: ۶۳۱)

«جمع‌آوری زکات به دست فقیه، فتوایی است که مدرکش را روایت می‌داند.» چون فقیهان، موارد مصرف زکات را بهتر می‌دانند، زکات را به ایشان باید رسانید. سید، متن این حدیث و راوی آن را معرفی نمی‌کند و تنها مدلول و محتوای آن را نقل می‌کند (شیخ مفید، ۱۳۶۸: ۲۵۲).

۱-۳- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه سلار دیلمی

حمزه بن عبدالعزیز، ابوعلی دیلمی، از اهالی دیلمان گیلان است. این فقیه بزرگ ایرانی، از شاگردان ممتاز شیخ مفید و سید مرتضی است. سلار دیلمی، در تنفیذ وصیت، فتوایش آن است که در صورت وفات وصی، ناظر در امور مسلمانان، به تنفیذ وصیت می‌پردازد. اگر ناظر امور مسلمانان، متمکن از تنفیذ نیست، فقیهان متمکن از اجراء اقدام به تنفیذ می‌کنند (سلار دیلمی، ۱۳۹۲: ۲۰۷).

به پیروی از نظریه مشهور، اجماع فقیهان شیعه در «ولایت قضا» علاوه بر آن که عالمیت به احکام را شرط لازم و ضروری برای حاکم می‌داند صریحاً می‌گویند که ائمه معصوم (ع) اقامه احکام در میان مردم را به فقیهان شیعه تفویض کرده‌اند.

۱-۴- نظریه فقهی ولایت فقیه در اندیشه ابی‌الصلاح حلبی

تقی بن نجم‌الدین بن عبید الله الحلبي معروف به ابی‌الصلاح حلبی از معاصران شیخ مفید و از شاگردان سید مرتضی و شیخ طوسی می‌باشد. وی جانشین سید مرتضی در حلب و به

از جانب ایشان اجازه‌ی قضاوت و دادرسی دارند سایرین مجاز به اقدام در این منصب نخواهند بود:

«اما الحكم بين الناس والقضاء بين المختلفين، فلا يجوز أيضاً الا لمن اذن له سلطان الحق في ذلك. و قد فرضوا ذلك الى فقهاء شيعتهم في حال لا يتمكنون فيه من توليه بنفوسهم، فمن تمكن من انفاذ حكم او اصلاح بين الناس او فصل بين المختلفين فليفعل ذلك و له بذلك الاجر و الثواب ما لم يخف في ذلك على نفسه و لا على احد من اهل الايمان و يأمن الضرر فيه فان خاف شيئاً من ذلك لم يجز له التعرض لذلك على حال.» یعنی: اما حکم کردن در بین مردم و داوری بین اختلاف کنندگان تنها برای کسانی جایز است که از جانب سلطان حق دارای اذن باشند و ایشان (سلاطین حق) در مواردی که خودشان امکان تولیت این امور را ندارند، به فقیهان شیعه اجازه‌ی تصدی آن را داده اند. پس هر یک از فقها این امکان را داشته باشد که به اجرای حکمی بپردازد یا اصلاحی در بین مردم ایجاد نماید و یا نزاعی را فیصله دهد باید به این امر اقدام کند که مستوجب پاداش و ثواب نیز خواهد بود؛ البته مادامی که بر خودش و بر مؤمن دیگری، خوفی از اضرار دشمنان نداشته باشد که در صورت خوف، بر او جایز نیست متعرض هیچ یک از این افعال گردد. (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۰۱-۳۰۲).

فقیه شیعه که از صدور حکم و داوری بین مردم متمکن باشد؛ یعنی مادامی که ضرری متوجه او یا مؤمن دیگری نیست باید متصدی ولایت مزبور گردد و به فصل خصومت بپردازد. وی می‌گوید: امام موظف است در هر منطقه‌ای قاضی و حاکمی بگمارد تا عهده‌دار حل و فصل اختلافات گردد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۳: ۸/۸۵).

البته این سخن وی به عصر حضور امام مربوط می‌شود. وی در تبیین صفات یکی قاضی به دو صفت مهم اشاره می‌کند: علم به احکام الهی و عدالت: «لا يجوز ان يتولى القضا الا من كان عارفاً بجميع ما ولی و لا يجوز ان يشذ عنه شیء من ذلك و لا يجوز ان يقلد غيره، ثم يقضى به.»

تصدی قضاوت بر کسانی جایز است که به تمامی موارد مسؤولیت خویش آشنایی و آگاهی داشته باشند. چنان که گفته شد، شیخ طوسی نیز مانند بسیاری از فقهای شیعه معتقد است امامان شیعه در عصر غیبت، این منصب را به فقیهان شیعه تفویض نموده‌اند: «و قد فوضوا ذلك الى فقهاء شيعتهم في حال لا يتمكنون فيه من توليه بنفوسهم.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۰۱).

دلیل و مستند وی در واگذاری این مسؤولیت به فقها، روایاتی است که ائمه (ع) در آنها مردم را در نزاع‌ها و محاکمات به علما و فقها ارجاع داده اند و فرموده‌اند: «اذا كان بين احكامم و بين غيره خصومه، فليُنظر الى من روى احاديثنا و علم احكامنا، فليتحاكما اليه.» هرگاه بین شما و دیگری نزاعی در گرفت، باید در حل آن دعوا به فردی مراجعه کنید که احادیث ما را روایت می‌کند و به احکام و معارف ما آگاهی دارد. وی همچنین درباره‌ی صفت دوم قاضی می‌گوید: «و من شرط القاضي ان يكون عدلاً و لا يجوز ان يكون فاسقاً و به قال جميع الفقهاء.» (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۱۲)

به نظر شیخ طوسی، وظیفه‌ی تبلیغ و تبیین احکام و حفاظت از دین و شریعت یکی از ولایت‌هایی است که بعد از پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر عهده‌ی فقهای جامع الشرایط قرار داده شده است. پیامبر اسلام با هدف تبیین احکام الهی و تبلیغ آنها و حفاظت از کیان دین و شریعت اقدام به تشکیل حکومت اسلامی نمود و بعد از پیامبر (ص) این وظیفه بر عهده‌ی امام معصوم- که جانشین پیامبر شده به سخن وی مانند سخن پیامبر حجیت دارد- قرار گرفته است. می‌توان گفت که با توجه به شرایط ویژه‌ی عصر شیخ طوسی و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی آن روز و اوضاع سختی که حاکم بر شیعه بود، شیخ توانسته است در بسیاری از آثارش به موارد مختلفی از ولایت فقها در عصر غیبت بپردازد و آنان را در اجرای حدود الهی و دخالت در امور جامعه و مصالح مسلمین صاحب حق بداند.

۳- ولایت فقیه در قانون اساسی

۳-۱- روند تصویب اصل ولایت فقیه در قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸

پس از فرماندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ و فراهم شدن زمینه‌های عملی حاکمیت اسلام، تدوین قانون بر اساس اسلام و بر مدار بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ضروری بود. با پیگیری امام خمینی پیش‌نویس قانون اساسی در شورای طرح‌های انقلاب تهیه شد و سپس مجلس خبرگان به منظور بررسی و تصویب نهایی قانون اساسی آغاز به کار کرد. دولت موقت و شورای انقلاب، آیین‌نامه‌ای برای بررسی نهایی پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب قوانین تهیه کرده بودند که در آن آمده بود: «تخلف از چارچوب اصول پیش‌نویس، بسته به اجازه شورای انقلاب است» مجلس خبرگان این مورد را نپذیرفت؛ زیرا نخستین کاستی مهمی که خبرگان با آن روبه‌رو شد و در پیش‌نویس بدان نپرداخته بودند، اصل ولایت فقیه بود؛ اصلی که اساس انقلاب به‌شمار می‌آید و مشروعیت نهضت اسلامی به آن بستگی دارد.

پس از آنکه این اصل در دستور کار مجلس قرار گرفت، بحث‌های گسترده‌ای در کمیسیون‌های مختلف آن انجام شد. و پس از سخنرانی موافقان و مخالفان و نقد و بررسی طرح پیشنهادی، سرانجام در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۱ اصل پنجم قانون اساسی (اصل ولایت فقیه) به تصویب مجلس خبرگان رسید. در برابر تصویب اصل ولایت فقیه، موضع‌گیری‌های متفاوتی صورت گرفت و حتی طرح انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح شد، ولی موضع‌گیری بجا و حساب شده امام و اعضای روحانی و انقلابی شورای انقلاب، از این خیانت بزرگ جلوگیری کرد. مبنای مشروعیت اصل پنجم در مجلس خبرگان، نظریه نصب بود و درباره اختیارات رهبری، بیشتر خبرگان اصل ۱۱۰ را مورد استناد می‌دانستند، و با استفاده از نظریه نصب می‌توانستند حوزه اختیارات ولی فقیه را افزایش

دهند، ولی چنین نشد؛ زیرا برخی معتقد بودند باید اختیارات، میان رهبری و رئیس‌جمهور تقسیم شود تا همه اختیارات در یک شخص متمرکز نشود. گروهی دیگر عقیده داشتند موارد نام برده در اصل ۱۱۰ بیانگر بخشی از اختیارات ولی فقیه است و در اصل ۱۰۷ آمده است: «... رهبر، ولایت امر و همه مسؤولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارد...» این عبارت نشان می‌دهد ولی فقیه اختیارات گسترده‌ای دارد و آنچه در اصل ۱۱۰ آمده، برای جدا کردن مسؤولیت‌های مدیران اجرایی کشور است. در قانون اساسی به ولایت مطلقه فقیه تصریح نشد. بدین دلیل، امام خمینی آنچه را که در قانون اساسی درباره اختیارات ولی فقیه آمده بود، کافی نمی‌دانست و بیان کردند آنچه در قانون اساسی درباره وظایف و اختیارات رهبری آمده، اندکی از شؤن ولی فقیه است. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۳۳)

۳-۲- دیدگاه امام خمینی در مورد ولایت فقیه در قانون اساسی

از نظر امام، همه فقها در عصر غیبت به نصب عام از سوی امام معصوم به ولایت گمارده شده‌اند. اگر یکی از فقهای دارای شرایط، حکومت تشکیل داد و مردم ولایت او را پذیرفتند، ولایت وی از قوه به بالفعل در می‌آید و در همه اموری که امام معصوم ولایت دارد به جز مواردی که ویژه امام است، ولی فقیه نیز نسبت به مصلحت جامعه و امت اسلامی ولایت دارد (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۴۷۹).

۳-۳- اختیارات رهبری طبق قانون اساسی

در خصوص اختیارات رهبری، نظر کمیسیون رهبری در شورای بازنگری قانون اساسی بر آن قرار گرفت که به موارد اختیارات اصل ۱۱۰ قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ بندهای جامع، فراگیر و اختیارات کلیدی افزوده شود که عبارتند از: - تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و نظارت بر حسن اجرای امور؛ (بند اول و دوم اصل ۱۱۰) و حل معضلات نظام که از طرق عادی

غیرمستقیم مقام رهبری هستند، نظارت رهبری بر قوه مقننه به‌وسیله شورای نگهبان هم در مرحله تشکیل نهاد اصلی قوه مقننه، یعنی مجلس شورای اسلامی و هم بر مرحله اعمال قوه مقننه، یعنی قانون گذاری در مجلس شورای اسلامی اعمال می‌شود.

- طبق (اصل ۹۱) رئیس قوه قضاییه نیز از سوی رهبر منصوب می‌شود صدور فرمان همه‌پرسی نیز از وظایف و اختیارات رهبری در حوزه قوه مقننه است. (بند ۳ اصل ۱۱۰) در این باره برخی صاحب نظران معتقدند هرچند اصل ۵۹ قانون اساسی درخواست همه‌پرسی را در گرو تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس می‌داند، ولی نقش مجلس شورای اسلامی فقط یک نقش کارشناسی است و رهبری با توجه به تشخیص مجلس و تصویب نمایندگان در صورت لزوم، فرمان همه پرسی را صادر خواهد کرد. (شعبانی، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

برخی با توجه به آشکار نبودن نوع همه پرسی در اصل ۵۹ و نیز ماده ۳۶ قانون همه پرسی در جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۴/۴ که پیشنهاد همه‌پرسی را از سوی رئیس جمهور یا یک صد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دو سوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌داند، می‌نویسند: «با توجه به اینکه رهبر فرمان همه‌پرسی را صادر می‌نماید، با موضوع مذکور در مقررات فوق معارض می‌باشد و در این صورت به نظر می‌رسد که اختیار رهبر شامل همه‌پرسی تقنینی نباشد.» (هاشمی، ۱۳۹۴: ۷۱)

هرچند از بدو تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون، همه‌پرسی تقنینی صورت نگرفته است، ولی رهبری از این جهت نیز بر شیوه قانون گذاری به صورت مستقیم نظارت دارد. طبق اصل‌های ۶۰ و ۱۱۳ نظارت بر عملکرد قوه مجریه به دو روش جزو اختیارات مقام ولایت فقیه است. (بهینافر، ۱۳۸۷: ۴۵) مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی در بخش لشگری فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و پذیرش استعفاى رئیس ستاد مشترک،

قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام (بند ۸ اصل ۱۱۰).

- دوم نیز متناسب با همان وصف مطلقه است که در بازنگری به اصل ۵۷ افزوده شد. به عبارت دیگر، از اختیارات گسترده‌ای همچون تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، عزل و نصب رئیس قوه قضاییه و رئیس صدا و سیما، حل اختلاف و ایجاد هماهنگی بین قوای سه گانه و نیز حل معضلات نظام که از راه عادی قابل حل نیست، به ولایت مطلقه تعبیر شده است و این همان تفسیری است که معمولاً از آن به ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی یاد می‌شود، و همچنین طبق قانون اساسی، «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

- مهم‌ترین وظیفه‌ای که ولی فقیه بر عهده دارد ضمانت اجرای قوانین اسلامی است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی در فرازی با عنوان «ولایت فقیه عادل» آمده است: «براساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود، آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشد.»

- قوه مقننه از دو نهاد به هم پیوسته، یعنی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان تشکیل شده که اختیارات رهبر در این قوه منحصر به شورای نگهبان است؛ به این معنا که نصب و عزل و پذیرش استعفاى فقهای شورای مزبور با رهبر است (قسمت الف از بند ۶ اصل ۱۱۰) و شش نفر حقوق دان این شورا به وسیله مجلس از میان حقوق دانان متخصصی که رئیس قوه قضاییه به مجلس پیشنهاد می‌کند، انتخاب می‌شوند. نهاد شورای نگهبان که نیمی از اعضایش (فقها) منتخب مستقیم و نیمی دیگر (حقوق دانان) منتخب

ضرورت اجرای احکام اسلامی می‌داند. (خمینی، ۱۳۸۳: ۲۶) و در قانون اساسی، رهبری حکومت اسلامی ایران بر عهده فقیه جامع‌الشرایطی است که از سوی مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود. رهبر مسؤول و ضامن عدم گمراهی سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود است و برای دستیابی به این هدف اعمال نظارت مقام رهبری در هریک از سه قوه به شکل‌های مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد، البته هریک از قوا به‌طور مستقل بر امور محول شده، اعمال نفوذ دارند و باید پاسخگوی عملکرد خود باشند.

نتیجه‌گیری

فقه پویای شیعه از زمان ائمه اطهار (ع) تا زمان نواب خاص و اینک نواب عام امام زمان (عج) دوران شکوفایی و پویایی را پیموده است و این فقه توانسته است در سایه کلام خدا و سنت رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) پاسخگوی نیاز بشر باشد. فقه سیاسی شیعه نیز در ازمنه مختلف در عرصه سیاسی جامعه نقش مؤثری را داشته است. از کتب شیخ مفید و سیدمرتضی و شیخ طوسی در مورد نقش ولایت فقها تا محاجات علامه حلی، در فتوای میرازی شیرازی و قیام میرزا کوچک جنگلی و قیام امام خمینی (ره) همگی نشان دهنده نقش مؤثر و تأثیرگذار فقهای شیعه در عرصه فقه سیاسی اجتماع است. با توجه به شرایط مختلف اجتماعی علمای تشیع اختیارات ویژه‌ای را برای ولایت فقها معرفی کرده‌اند و به‌طور مشخص شیخ طوسی ولایت فقها را علاوه بر امور حسبه، بر اموری چون دریافت خمس و زکات و امامت نماز عیدین و جمعه گسترش داده است. شیخ توانسته است در بسیاری از آثارش به موارد مختلفی از ولایت فقها در عصر غیبت بپردازد و آنان را در اجرای حدود الهی و دخالت در امور جامعه و مصالح مسلمین صاحب حق بداند.

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی، تأیید مصوبات شورای عالی امنیت ملی و داشتن دو نماینده در شورای نام‌برده بر عهده مقام رهبری است. بنابراین، نیروهای مسلح به‌عنوان بخشی از قوه مجریه، در ارتباط با رهبری و ولایت مطلقه فقیه است و اصل وحدت فرماندهی در همه رده‌های آن حاکم است (بهینیاfer، ۱۳۸۷: ۴۷).

۴- تطبیق نظریه ولایت فقیه در کلام شیخ طوسی و قانون اساسی

به نظر شیخ طوسی فقهای شیعه در عصر غیبت از جانب امام اختیاراتی در زمینه‌های افتاء، قضاء و اجرای احکام دارند و آحاد فقها به طور خاص نیابت را نپذیرفته‌اند، زیرا در عصر آن امام معصوم حضور نداشته‌اند؛ پس به‌طور عام و کلی جانشین امام شده‌اند.

مناصب اصلی حاکم در حکومت از منظر شیخ الطائفه، افتاء (تبیین احکام الهی)؛ قضا (قضاوت و صدور حکم) و اجرا (کارگزاری سیاست) بوده و فقهای شیعه از جانب امامان معصوم، نه تنها این مناصب را پذیرا شده بلکه در انحصار آنان قرار گرفته است و از آن‌جا که در مناطق مختلف جامعه اسلامی نیاز به قاضی وجود دارد، کارگزاری سیاست، مجموعه‌ای از اختیارات فرعی است که اداره امور حکومت بدان‌ها نیاز دارد و شامل نصب حاکم و امیر شایسته در مناطق مختلف، تعیین قاضی بر نقاط تحت قلمرو، اجرای احکام و حدود الهی، جهاد با دشمنان و دفاع از شهروندان، ایجاد ساختار مالی، اعمال ولایت بر افراد بدون سرپرست، مقابله با بحران‌های اقتصادی و تقویت بازار اسلامی و برگزاری اجتماعات سیاسی، عبادی نظیر نماز جمعه می‌باشد.

امام خمینی (ره) در بحث «ولایت فقیه»، میان ضرورت اجرای احکام اسلامی و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ارتباط منطقی برقرار می‌کند. یعنی ضرورت دوم را فرع بر

آنچه در نظام ولایت فقیه به‌عنوان یک نظام منحصر به فرد، در سیستم‌های حقوقی دنیا مطرح است، استقلال قوا نسبت به یکدیگر است، اما این قوا نسبت به رهبر دارای استقلال نیستند؛ زیرا رهبر به‌عنوان عالی‌ترین مقام (اصل ۱۱۳) و از جهت ولایت بر قوا، (اصل ۵۷) بر آن‌ها نظارت دارد. بنابراین، اصل ۵۷ قانون اساسی، نظام تفکیک قوای مقننه، مجریه و قضاییه را به‌صورت نسبی و با شیوه خاص خویش پذیرفته است، منظور از ولایت مطلقه فقیه، در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری به‌عنوان رئیس کشور بر همه شؤون، نظارت و اشراف همه‌جانبه تشریحی، قضایی و اجرایی دارد و تمام قوا و نهادهای دیگر حکومت به نوعی مشروعیت خود را از این نهاد می‌گیرند و ولایت مطلقه فقیه را نقطه اتصال و پیوند قوای حاکم می‌داند.

ملاحظات اخلاقی: در ابتدا تا انتهای این تحقیق اصول صداقت و امانتداری رعایت گردیده است

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد تعارض منافع بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

تشکر و قدردانی: از کلیه‌ی کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۹). *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث عربی.
- بهنیا فر، احمد رضا (۱۳۹۶). «مفهوم ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه پژوهشی انقلاب اسلامی*، ۱۲(۴): ۴۵-۷۵.
- تفتازانی، مسعود بن عمر (۱۳۷۰). *مختصر المعانی*. قم: دارالفکر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). *ولایت فقیه ولایت فقاقت و عدالت*. چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء قم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۹۹). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حلبی، ابن الصلاح (۱۳۶۲). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: نشر مکتبه الامام علی (علیه السلام).
- حلی، حسن بن یوسف ابن مطهر اسدی (۱۴۱۳). *مختلف الشیعه*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۱). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۳). *صحیفه نور*. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (۱۳۶۲). *مفردات فی غریب القرآن*. چاپ دوم، بی‌جا: کتابفروشی مرتضوی.
- سار دلیمی، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۱۴). *المراسم العلویه فی الاحکام النبویه*. مصحح محسن حسینی امینی، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام.
- شعبانی، قاسم (۱۳۷۳). *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۳). *تلخیص الشافی*. قم: محبین.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *المبسوط*. تهران: المکتبه المرتضویه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷). *الخلاص*. جلد ششم، قم: انتشارات اسلامی.
- عالی خانی، محمد (۱۳۷۳). *حقوق اساسی*. تهران: دستان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۳۶۷). *العین*. چاپ دوم، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۸). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه العراء*. به تحقیق عباس تبریزیان، قم: بوستان کتاب قم.
- کعبی، عباس (۱۳۸۰). *بررسی تطبیقی مفهوم ولایت مطلقه فقیه*. قم: انتشارات ظفر.
- مختاری، محمد حسین و مرادی، علی اصغر (۱۳۷۷). *فرهنگ اصطلاحات فقهی*. تهران: انجمن قلم ایران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- معین، محمد (۱۳۶۸). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: انتشارات زرین.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۸). *المقنعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر میزان.

References

- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1999). *Arabic Language*. Third Edition, Beirut: Arabic Heritage Revival Center. (Arabic)
- Behniafar, Ahmad Reza (2017). "The Concept of Velayat-e-Faqih in the Constitution of the Islamic Republic of Iran". *Islamic Revolution Research Quarterly*, 12 (4): 75-45. (Persian)
- Taftazani, Massoud Ibn Omar (1991). *Summary of Meanings*. Qom: Dar al-Fikr. (Arabic)
- Javadi Amoli, Abdullah (2000). *Velayat-e-Faqih and Justice*. Second Edition, Qom: Qom Prisoners Publishing Center. (Persian)
- Johari, Ismail bin Hamad (2020). *Sehah*. Beirut: Dar Al-Alam. (Arabic)
- Halabi, Ibn al-Salah (1983). *Sufficient in Jurisprudence*. Isfahan: Publication of Imam Ali. (Arabic)
- Helli, Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar Asadi (1993). *Mokhtalaf Al-Shia*. Qom: Islamic Publishing Institute. (Arabic)
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1962). *Velayete Faqih*. Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (Persian)
- Khomeini, Seyyid Ruhollah (1964). *Sahife Noor*. Tehran: Center for Cultural Documents of the Islamic Revolution. (Persian)
- Ragheb Isfahani, Abu al-Qasim Hussein ibn Muhammad (1943). *Mofradat Qur'an*. Second Edition, NP: Mortazavi Bookstore. (Arabic)
- Salar Dailami, Hamza ibn Abdul Aziz (1994). *Marasim*. Edited by Mohsen Hosseini Amini, Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt. (Arabic)
- Shabani, Qasim (1954). *Fundamental Rights and Structure of the Government of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Information Publications. (Persian)
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1964). *Talkhis Al-Shafi*. Qom: Lovers. (Arabic)
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1994). *Almabsoot*. Tehran: Al-Mortazaviyah Library. (Arabic)
- Sheikh Tusi, Muhammad ibn Hassan (1997). *Al-Khalaf*. Volume 6, Qom: Islamic Publications. (Arabic)
- Ali Khani, Mohammad (1954). *Basic Rights*. Tehran: Dastan. (Persian)
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1948). *Al-Ain*. Second Edition, NP: Islamic Culture Publishing Office. (Arabic)
- Kashif al-Ghatta ', Ja'far (1969). *Kashf Al-Gheta*. Research by Abbas Tabrizian, Qom: Qom Book Park. (Arabic)
- Kaabi, Abbas (1961). *A Comparative Study of the Concept of Velayat Faghih*. Qom: Zafar Publications. (Persian)
- Mokhtari, Mohammad Hussein & Moradi, Ali Asghar (1958). *Dictionary of Jurisprudential Terms*. Tehran: Iranian Pen Association. (Arabic)
- Motahari, Morteza (1966). *Collection*. Tehran: Sadra Publications. (Persian)
- Moin, Mohammad (1949). *Persian Dictionary*. Tehran: Zarrin Publications. (Persian)
- Mufid, Muhammad ibn Muhammad (1949). *Almognaeh*. Qom: Islamic Publishing Offices. (Arabic)
- Hashemi, Seyed Mohammad (1967). *Constitutional Rights of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Mizan Publishing. (Persian)